

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نپاشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

به قلم سویچ کچوگلو
برگردان از: حمید بهشتی
۲۱ اکتوبر ۲۰۱۷

دشمنی با المانی در میان جامعه اکثریت المانی تبار تا چه میزان نژاد پرستی است؟



سویچ کچوگلو

آیا خارجی ها و مهاجران (۱) در مقابل جامعه اکثریت المانی تبار (۲) می توانند نژاد پرست باشند؟ این پرسش هنگامی پرسش روز گشت که در ۲۰۱۰ خانم وزیر خانواده المان، کرسٹین شرودر (عضو حزب مسیحی دموکرات) به دنبال گزارشی در باره یکی از مدارس برلین که در آن دانش آموزان المانی توسط برخی دانش آموزان خارجی با الفاظ مبتذلی که علیه المانی تبارها بود مورد توهین و تحقیر قرار گرفتند، آن را به رفتار نژاد پرستانه تعبیر نمود. امروز نیز – که زمان مباحث مربوط به پناه جوئی و پذیرفتن آنان است – این اعتراض بیش از پیش تکرار می گردد. این در حالی است که این سؤال مطرح است: آیا این امر اصلاً امکان پذیر است؟ آیا اظهاراتی مانند "نشخوار کنندگان سیب زمینی" یا "زن هرزه المانی" یا اصلاً تحقیر المانی ستیزانه را می توان نژاد پرستانه تلقی نمود؟

گذشته از این حقیقت که یک چنین توهین ها و تحقیر هائی کرامت انسانی را جریحه دار می سازند، این دور از انتظار است که آن نژاد پرستانه تلقی نمی شود. علی رغم این که افراد بسیاری روزانه در محیط کار یا در عمل سیاسی با مفهوم نژاد پرستی سر و کار دارند و علی رغم این که کتب فراوانی در این زمینه نوشته شده است، هم در عرصه عمومی و هم در نوشتجات، مطالب ناروشن، نامشخص و نظریات متفاوتی در این باره هست. یکی از دلایل آن این است که (در المان) مفهوم نژاد پرستی به خاطر گذشته این کشور که مبتلا به مباحث نژاد پرستی بوده و آثار آن همچنان باقی است، در عکس العمل آن طرح مقابلی در اذهان به وجود آمده است که بر اساس آن از هر گونه تحقیر قومی بسادگی برداشت نژاد پرستانه می گردد.

بر اساس تعریف جا افتاده ای که در پژوهش نژاد پرستی از بیرگیت رُمِلرپاخ وجود دارد، لازمه نژاد پرستی این است که آن در سه سطح تأثیری انجام گیرد: در سطح میکرو یعنی خُرد (شخصی)، در سطح میانی و در سطح ماکرو یعنی کلان (در اقتصاد، سیاست، اجتماع و غیره). بر این مبنا آنچه برای نژاد پرستی مهم است، بیش از همه نظام واری آن است. بر اساس این برداشت اکثریتی در پژوهش های نژاد پرستی این امر مربوط می شود به "مشخص نمودن" و "ارزشگذاری" تفاوت ها، به این که نابرابری ها مشروع تلقی شده و ترجیح یافتگان مزیت یابند.

"مشخص نمودن" مزبور دارای این نقش است که مرز خود را با "مشخص شدگان" تعیین کنند. این مشخص نمودن شامل بر بسیاری از "نسبت ها" است که "مشخص شدگان" را به غیر خودی ها تبدیل می نماید. این نسبت دادن ها با ابزار تشخیص متفاوتی صورت می گیرد، از جمله توسط زبان، فرهنگ، قومیت، هجرت و یا دین که این آخرین در این اواخر بسیار مد شده است. توسط این ابزار تشخیص، گروهی تصور گشته و به وجود می آید و بدانها "علائم مشخصه" یا صفاتی نسبت داده می شود که در افراد آن گروه امری طبیعی و لذا غیر قابل تغییراند. این صفات که دارای جنبه خصلتی تلقی می گردند در مقابل طبیعت و خصلت خود قرار داده می شوند و بدین ترتیب یک ساخت دوگانه "ما" و "آنها" به وجود می آید. تا اینجا تحلیل می توان المانی ستیزی را نیز نژاد پرستی تلقی نمود.

حال در این مرحله برخی از منتقدان می توانند اعتراض نموده و استدلال کنند که خارجی های المانی ستیز با همین منطق، در جهت معکوس می توانند عمل کنند. آنان نیز به کسانی که گروه غیری تلقی می کنند، ویژگی های منفی مانند ناپاک، فاقد اخلاق، بی شرافت و غیره نسبت داده و به موازات آن از خود توسط صفات مثبت متقابل مانند پاک، اخلاقی و با شرافت تجلیل می کنند.

البته با نکته سوم و تعیین کننده، پدیده المانی ستیزی – دستکم در المان – به مثابه نژاد پرستی، فاقد اعتبار می گردد. فاکتور مشخص نمودن و ارزشگذاری فقط در صورتی برای نژاد پرست و ترجیح یافته معنا می دهد که موجب تمایز گشته و آن را تحکیم نماید و با آن مشخصات و ارزشگذاری های نسبت داده شده تحکیم یافته فرضی می باید دعاوی برتری طلبان مشروعیت یابند. یعنی مشروط به مشروعیت یافتن نابرابری هاست. لذا نژاد پرستی را می توان در نقش افسانه حقانیتی تلقی نمود که به خاطر محافظت مزایاست. در حالی که در مقابل آن حتا در سطح خُرد مدرسه نیز که در ابتداء از آن سخن رفت، المانی ستیزی موجب مزیت یابی یا حفظ مزایای خارجی های المانی ستیز یا مهاجران نمی گردد. به ویژه این که در مقابل آنان از جمله پرسنل مدارس با امکانات فراوان تنبیهی که در اختیار دارند، قرار دارد.

فقدان عنصر دارا بودن مزایا و حفظ آن برای رفتارهای المانی ستیزانه در بهترین حالت می تواند نمایش کاری تدافعی در مورد شخصی که بدو تحقیر گشته است باشد و در بدترین حالت یک المانی ستیزی غیر قابل اصلاح. اما وی یک شخص نژاد پرستی که می باید دارای مزایا و توانمند در اجتماع بود و به جامعه اکثریتی متعلق باشد، نیست. برای او مشروعیت یافتن و تحکیم نابرابری در دستیابی به منابع زندگی اجتماعی مانند کار، ثروت یا خانه مطرح نیست. بلکه کوشش وی ناشی از ناامیدی اوست که آن را تبدیل به مزیتی ظاهری و بی ارزش می نماید.

سوینچ کچوگلو همیار اجتماعی و پژوهشگر در زمینه نژاد پرستی است.

۱ – خارجیان و مهاجران در اصطلاح علمی: People of Color

2 – جامعه اکثریت المانی تبار در اصطلاح علمی: weiß-deutsche Mehrheitsgesellschaft

۳ – برای پیشگیری از برداشت اشتباه نسبت به رویکرد با پناهجویان در المان باید به این واقعیت توجه نمود که از زمان آغاز موج شدید روی آوردن پناهجویان بدین کشور بخش قابل ملاحظه ای از مردم به خدمت و یاری آنان کمر همت بسته اند.

برگرفته از سایت المانی زبان کثرت نگری

<http://www.multiperspektivisch.de/nachricht/detail/7.html>